

Magic wealth

نسخه
الکترونیکی

نویسنده: مصطفی حاجی زاده



راه های درآمد بیشتر و زندگی شادتر
شناخت رازهای ثروتمند شدن

بنام خدا

ثروت جادویا

نویسنده: مصطفی حاجی زاده

دوستان عزیزم سلام!

امیدوارم حالتان عالی باشد.

در جهان قوانینی وجود دارد که همه انسان ها خواسته یا ناخواسته در حال تاثیر گرفتن از این قوانین الهی هستند. قوانینی نامرئی! زیرا ما اجزای آنها را نمیبینیم در حالیکه مدام دارند کار میکنند. من هم مانند خیلی از انسان ها در طول عمرم شکست های مالی و عاطفی را کم و بیش تجربه کردم و در پی آن اتفاقات، چیزهای زیادی یاد گرفتم. پس از مدتها فهمیدم که اشکال کار کجاست. رعایت نکردن قوانین الهی.

این قوانین مانند جادو عمل میکند.

چرا که میتوانند هر اتفاقی را در زندگی ما رقم بزنند. اتفاق های باورنکردنی. این بود که شروع به نوشتن کتابهایی کردم که بتواند با استفاده از این قوانین، راه گشایی برای شما عزیزان باشد تا شکست های مالی و عاطفی کمتری را تجربه کنید و راه کامیابی در زندگی را زودتر پیدا نمایید.

این کتاب برای چه کسانی نوشته شده؟

تمام کسانی که میخواهند زندگی بهتری را تجربه کنند و موفق تر شوند بهتر است این کتاب را بخوانند.

هشدار جدی:

حتما کتاب را تا آخر بخوانید. زیرا فقط کسانی بیشترین نتیجه را میگیرند که کتاب را تا آخر تمام کنند.

AMOEZESHBOX

قبل از هر چیز بدانید که هر کس اگر چیزهایی را که می داند و باعث تاثیرات مثبت در زندگی او شده را به دیگران انتقال بدهد کارمای آن را می بیند.

کارما در زبان سانسکریت یعنی کردار و نتیجه عمل.

یکی از کارهایی که باید در زندگی انجام دهید خواندن کتاب است.

فردی، موفقیت و روش‌های زندگی بهتر است که واقعاً برای همه انسانها لازم می‌باشد. نویسندگان این کتاب‌ها کسانی هستند که تجربیات ارزنده‌ای به دست آورده‌اند پس چه بهتر که ما هم از تجربیات آنها یاد بگیریم تا بتوانیم سریع‌تر در زندگی جلو بیفتیم.

یک کتاب، حرفهای ارزشمند یک شخص با تجربه است که برای هزاران نفر تولید شده است پس باید از آن استفاده کرد. وقتی دارید کتاب میخوانید مانند این است که دارید به سخنان یک نفر گوش میدهید و یاد میگیرید.

عادت زندگی شما روزانه ۱۰ دقیقه تا دو ساعت یا روزانه یک الی ده ها صفحه کتاب خواندن باشد تا تغییرات زیادی در زندگی شما به وجود آید.



البته باید بدانید که چه کتاب‌هایی بخوانید مثلاً اگر می‌خواهید از نظر ثروت و درآمد پیشرفت کنید باید کتاب‌هایی که موضوع آنها ثروتمند شدن، مدیریت کسب و کار و بازاریابی و فروش هست بخوانید. کتاب‌ها روی ضمیر ناخودآگاه شما تاثیر می‌گذارند.

حال ضمیر ناخودآگاه چیست؟

یک نوع ذهن نیمه هوشیار است. **ضمیر ناخودآگاه** مجموعه‌ای از افکار و احساسات می‌باشد و انجام کارهای غیر ارادی را در بدن ما به عهده دارد. کارهایی که عادت شده‌اند را ضمیر ناخودآگاه کنترل می‌کند مانند رانندگی.

هنگامی که تازه شروع به یادگیری رانندگی میکنید در روزهای اول رانندگی تمام حواستان به این است که چه موقع کلاچ را فشار دهید و چه موقع همزمان دنده را عوض کنید یعنی برای این کارها فکر می‌کنید. در اینجا ضمیر خودآگاه شما که ربط به منطق شما دارد در رانندگی به شما کمک می‌کند. اما بعد از یک مدت که در رانندگی ماهر شدید می‌بینید که بدون نیاز به حواس و دقت کردن دنده را عوض می‌کنید و کلاچ را می‌گیرید. در این حالت این کارها را ضمیر ناخودآگاه شما دارد انجام می‌دهد.

فروید روانشناس معروف دنیا اولین کسی بود که تاثیر ذهن ناخودآگاه را روی زندگی بررسی کرد.

وقتی کتاب خواندن روزانه را انجام بدهید می‌بینید که بعد از چند روز کلی اطلاعات به شما اضافه شده و در تصمیم‌گیری‌های زندگی می‌تواند به شما کمک کند.

شما با هر نوع کتابی که راحت هستید می‌توانید شروع کنید مثلاً کتاب کاغذی یا کتاب صوتی یا فایل ویدیویی. با هر کدام که راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کنید شروع کنید. اکثر افراد با کتاب صوتی راحت‌ترند.

یکی از موضوعات مهم زندگی این است که شما نباید در گذشته زندگی کنید.

زیرا **گذشته در گذشته** در گذشته. شما نمی‌توانید گذشته را تغییر دهید پس نباید به آن فکر کنید مخصوصاً گذشته‌ای که در آن اشتباهات و اتفاقات بد رخ داده چون فقط شما را ناراحت می‌کند. ما باید از این گذشته درس بگیریم و تجربیات خوب آن را در زندگی الان استفاده کنیم. شما نمی‌توانید گذشته را تغییر بدهید پس چرا فکرتان را درگیر آن کنید؟!

مثلاً در یک جمعی نشستید و یا دارید با کسی صحبت می‌کنید ولی حرفی می‌زنید که بعداً با خودتان می‌گویید چرا من این حرف را زدم و شروع می‌کنید به خودخوری کردن. در صورتی که آن اشخاصی که حرف شما را شنیده‌اند شاید دیگر اصلاً به آن فکر نکنند. اما شما همچنان دارید به آن فکر می‌کنید!

در واقع با فکر کردن به گذشته، زمان حال خود را از دست می‌دهیم. در صورتی که **مهمترین چیز زمان حال است.**



این را بدانید که در دل هر اتفاقی که می‌افتد یک خیریتی هست که باید به آن فکر کنید و از آن در زندگی حال خود استفاده کنید تا زندگی خود را بسازید.

هر اتفاق بدی که افتاده نکته مفیدش را برداشت کنید و از آن درس بگیرید و خدا را شکر کنید که از آن اتفاق بدتر نیفتاد. در اینجا مقایسه کردن خیلی مفید است اگر اتفاقی که الان برای شما افتاده را با یک اتفاق بدتر مقایسه کنید خود به خود خدا را شکر می‌کنید.

اگر به هر اتفاق بدی زیاد فکر کنید و در موردش صحبت کنید فقط فکرتان آلوده تر میشود و فکر دیگران را هم آلوده می‌کنید و اتفاقاتی شبیه آن را به زندگی خود دعوت می‌کنید. و وقتی این نوع اتفاقات برای شما تکرار شود فکر میکنید آدم بدشانسی هستید. پس به اتفاقات بد زندگی اصلاً فکر نکنید و ذهنتان را کنترل کنید تا زندگیتان از چیزی که هست بهتر شود.

خواسته ها و ناخواسته ها

یک سری چیزها وجود دارد که نمیخواهیم اتفاق بیفتد و اتفاق می‌افتد و یک سری چیزها هست که می‌خواهیم اتفاق بیفتد و اتفاق هم می‌افتد.

مثلاً ما چند روز داریم به دوستان فکر می کنیم و دوست ما بعد از یک مدت کوتاهی مثلاً دلتنگ ما شده و به ما زنگ میزند چون ما به او فکر کردیم فرکانسی از ذهن ما به کائنات ارسال شده و به آن رسیده و او هم ذهنش پاسخ می دهد و به ما زنگ میزند.

به بیان دیگر وقتی ذهن روی یک چیز متمرکز میشود سیستم fAS مغز فعال میشود. مثلاً شما دوست دارید ۲۰۶ بخريد اگر خیلی به آن فکر کنید روزها در خیابان بیشتر ۲۰۶ ببینید. با خود می گوید قبلاً کمتر این ماشین را میدیدم اما الان انگار بیشتر شده. در واقع این ماشین از اول بوده اما شما چون دقت نمی کردید زیاد نمی دیدید. ذهن ما حدود ۹۹ درصد از دیتاهایی که در طول روز وارد مغز میشود را فیلتر می کند و شما نمی بینید. پس اینکه چه چیزی را می بینیم یا نمی بینیم تصمیمش با ماست.

پس چیزی را که روی آن تمرکز می کنید از فیلترها عبور کرده و وارد دید و مغز ما میشود و مثلاً به صورت یک اتفاق رخ میدهد.



کائنات

پاسخ به افکار ما را کائنات انجام میدهد.
کائنات چیست؟ کائنات شامل خداوند، من، شما و هر آن چیزی است که توسط خداوند آفریده شده است. خداوند و تمام مخلوقات او از انرژی هستند. پس تمام کائنات از انرژیست و از قوانین حاکم بر انرژی پیروی می کند. کائنات سعی میکند هر چیزی را که روی آن تمرکز کردید را جلوی دید شما قرار دهد. پس تجسمات ما میتواند قدرتمند باشد در رسیدن به خواسته یا ناخواسته ها.

برای همین است که **تصویرسازی ذهنی** در مورد خواسته ها خیلی مهم است.

زمانی که تصویرسازی ذهنی میکنید باید رسیدن به آن خواسته را احساس کنید. هر چه احساستان قویتر باشد تصویرسازی بهتر جواب میدهد.

ما باید یاد بگیریم چیزهایی را که دوست نداریم به آن ها فکر نکنیم.

مثال : فرض کنید با دوستان به نمایشگاه ماشین رفتید و انواع و اقسام ماشین ها هم در آنجا هست. ماشین های لوکس و زیبا. و یک ماشینی هم لابلای آنها هست که طرحش قدیمی و کوچک است و می بینید رفیق شما مدام دارد به آن نگاه میکند. با خودتان فکر میکنید حتماً از این ماشین خیلی خوشش آمده و سپس از او میپرسید دوست داشتی این ماشین مال تو بود؟ از آن خوشت میاید؟ ولی او میگوید نه اتفاقاً داشتم فکر میکردم چقدر طراحی بی سلیقه بوده که این قدر زشت طراحی کرده. اصلاً خوشم نمی آید آن را داشته باشم.

این مثال را زدم که متوجه شوید که فکر کردن به ناخواسته ها هم ناخواسته ها را وارد زندگیتان میکند.

مثلاً شما اگر پول می خواهید و دارید به بی پولیتان فکر می کنید هر دوی اینها در مورد **پول** است اما چون به بی پولی فکر می کنید احساس منفی دارید پس بی پولی تان را دارید توی زندگی خود گسترش میدهید.

یک باور مثبت و پولساز این است که: **پول و ثروت به آسانی بدست می آید.** این جمله را هر روز به خود بگویید تا در مسیر پولسازی با روش های راحت قرار بگیرید.

وقتی چیزی را نمیخواهی نباید به آن فکر کنی یا در موردش با دیگران صحبت کنی. چون وقتی در موردش صحبت می کنی داری به آن توجه می کنی و حس منفی در تو به وجود میاید و همان حس منفی اتفاقات منفی بیشتری را برایت به وجود میاورد و مشکلات مشابه آن مشکل را جذب می کنی.



مثلاً وقتی در **رابطه عاطفی** با آدمهایی وارد رابطه میشوی که همه فلان رفتار بد را با تو دارند علتش فکر کردن و ترسیدن از رفتارهای بدی که در رابطه قبلی ات داشتی میباشد و میترسی دوباره همان رفتارها تکرار شود و یک علت دیگر طرز فکر منفیست که نسبت به خودت داری و تا

وقتی که این طرز فکر را عوض نکنی آدمهای بعدی هم همین رفتار را با تو میکنند. پس دیگران را مقصر ندان.
وقتی چیزی را نمیخواهی مدام از بدی های آن نگو و برای دیگران تعریف نکن.

مثلاً اگر در هر شغلی که وارد میشوی اخراج میشوی و پولت را نمی دهند به بقیه نگو همه پولم را میخورند یا نامردند. چون در شغل های بعدی هم همین اتفاق برایت میافتد. چون با حرف زدن در مورد آن داری به آن توجه می کنی و این واقعیت دوباره برایت اتفاق میافتد.

شما اگر خواسته ای را دارید باید طوری به آن فکر کنید که احساس مثبت تر و بهتری را پیدا کنید.

مثلاً اگر پنج سال است که پراید دارید و یک ماشین بهتر مثل ۲۰۶ یا ماشین خارجی می خواهید باید به ویژگی های این ماشین دلخواه توجه کنید و در ذهن خود آپشن هایش را مرور کنید و تصویرسازی نمایید.

شما نباید با خود بگویید **وای چرا من هنوز پراید دارم**، چرا هنوز ماشینم را نتوانستم بهتر کنم. این جملات به شما حس منفی داده و شما را از خواسته تان که آن ماشین بهترهست دور میکند.

برای رسیدن به خواسته های خود باید آن ها را بنویسید و مدام فکر کنید که آنها را الان دارید و باید حس داشتن آن چیزها را در خود به وجود بیاورید با تمرکز فکری روی آنها. یعنی اگر فقط به آنها فکر کنید اما حس خاصی نداشته باشید این افکار تاثیری در زندگی شما ندارد.

دانلود کتاب راهنمای عملی رسیدن به آرزوها

علت این که میگویم **بنویسید تا اتفاق بیفتد** این است که وقتی دارید می نویسید مغز شما بیشترین قدرت تمرکز را نیاز دارد تا بتوانید درست بنویسید. پس وقتی دارید می نویسید همزمان به چیز دیگری نمیتوانید فکر کنید.

پس تمرکزتان بر روی همان چیزی هست که می نویسید. هر چه بیشتر بنویسید تاثیرش در زندگی بیشتر است. هر اتفاق بدی که در زندگی شما میافتد فقط ببینید چه درسی از این اتفاق بد یاد گرفتید و خواسته شما چیست.

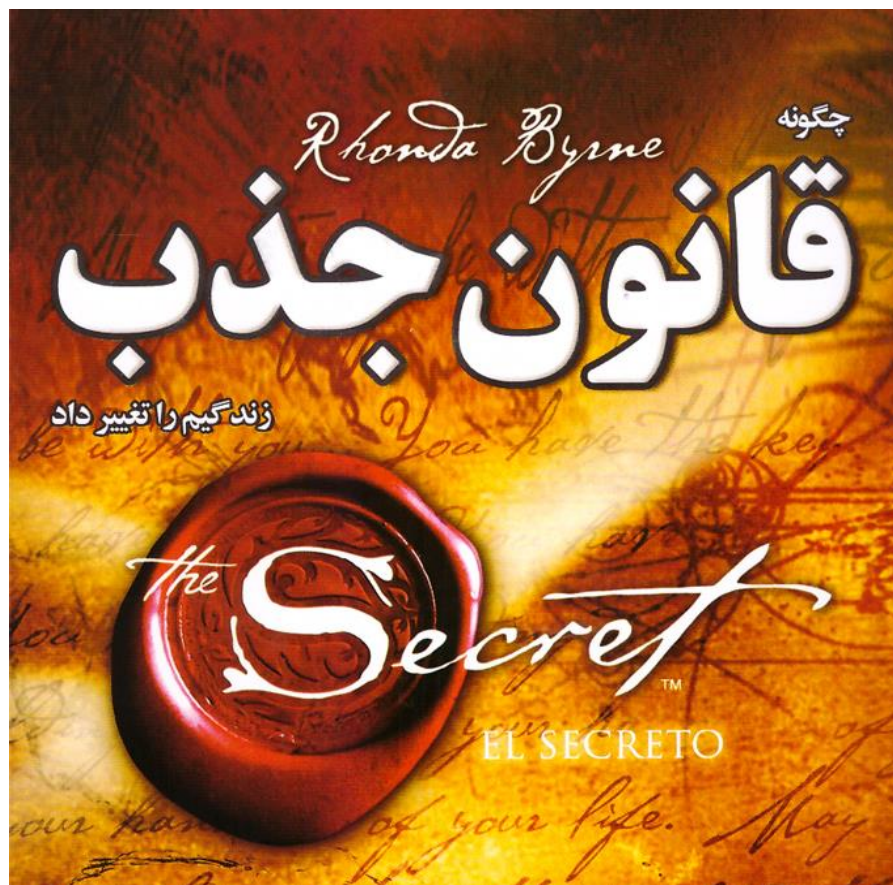
آنتونی رابینز یکی از سخنرانان انگیزشی آمریکایی جهان میگوید:
ما ماشین اثبات باورهای مان به خودمان هستیم.

باور چیست؟ باور تکرار زیاد یک فکر است. وقتی که یک نوع فکر را زیاد تکرار میکنید تبدیل به باور میشود. باورها اتفاقات زندگی ما را خلق میکنند. مثلاً اگر باور داشته باشید که پول درآوردن آسان است به مسیرها و شغل هایی هدایت میشوید که آن مسیرها شما را به راحتی به پول و ثروت میرساند نه با سختی. اگر به فراوانی نعمت در دنیا اعتقاد و باور داشته باشید نعمت و ثروت از در و دیوار وارد زندگیتان میشود.

یا مثلاً اگر در هر کاری که میروی حقت را می خورند و تو مدام در مورد این که دارند حق تو را می خورند با دیگران صحبت می کنی این فکر تبدیل به باور میشود و تو باور پیدا میکنی که خیلی ها حقت را میخورند و در نتیجه توی هر کاری که میروی این قضیه برایت اتفاق میافتد و حقت را میخورند. همچنین به آدمهایی بیشتر برخورد می کنی که آنها هم حقشان به وسیله مدیران و ریيسان خورده شده و آنها هم حرفت را تایید میکنند چون آنها هم طرز فکری شبیه تو دارند.

شما باید با خود بگویید من چه مشکلی داشتم که باعث شده ام حقم را بخورند. جوابش را پیدا می کنی.

یا اینکه با خود بگو مدیرهای خوب زیادی وجود دارند که حق کسی را نمیخورند.



مختصری از قانون جذب

قانون جذب میگوید: افکار مثبت، نتایج مثبت را در زندگی ما به وجود می‌آورند و افکار منفی به نتایج منفی و ناراحت کننده ختم می‌شوند. شاید برای شما سوال پیش آمده باشد که آیا بعضی از اتفاقات زندگی بر اثر شانس است یا تقدیر یا یک عامل دیگر. جواب صحیح این است که افکار گذشته شما تمام این اتفاقات را به وجود آورده اند.

این افکار میتواند مربوط به چند دقیقه قبل تا چند سال قبل باشد.

هر انسان زمانی که به هر چیزی فکر می کند امواجی با فرکانس خاص از بدن خود ساطع می کند که این امواج به کائنات هدایت می شود و مطابق با فرکانسش به چیزهایی برخورد می کند که متناسب با فکر ماست و در نتیجه ما را به آن خواسته می رساند. آن خواسته می تواند مثبت یا منفی باشد.

همه ی زندگی ما نتیجه افکار ماست.

اگر زمان فکر کردن به یک موضوع احساسات منفی باشد شما از آن خواسته دور می شوید. مثلاً اگر خواسته شما داشتن پول زیاد است ولی به بی پولی خود فکر می کنید و احساسات بد است شما دارید خود را به فقر بیشتر نزدیک می کنید.

اگر زمان فکر کردن به یک موضوع، احساسات مثبت باشد شما به آن خواسته نزدیک می شوید.



اگر به قانون جذب اعتقاد ندارید یک **رادیو** را در نظر بگیرید که به وسیله دریافت امواج، صدایی را برای شما پخش می کند. شما امواج را نمی بینید اما وجود دارد. پس **ندیدن یک چیز دلیل بر نبودن آن نیست**. بدن ما هم یک فرستنده و هم یک گیرنده است. یعنی هم امواج تولید و ارسال میکند و هم دریافت میکند.

مواقعی هست که یک چیزی را خیلی به آن فکر می کنی و می بینی که چند مدت بعد آن را به دست آوردی. در واقع شما دارید به صورت ناخودآگاه از قانون جذب استفاده می کنید ولی خودتان خبر ندارید.



تحقیقات ثابت کرده که تمام چیزهایی که در دنیا وجود دارد از ذرات ریزی به نام **کوارک** تشکیل شده که نوسان یا ارتعاش دارند. در بدن ما

هم این ذرات وجود دارد و بنابراین با افکار مختلفی که در ذهن ماست ارتعاشات مختلفی را به جهان ارسال می‌کنیم و در نتیجه آن ارتعاشات نتایج مختلفی را در زندگی برای ما بوجود می‌آورد. برای همین است که می‌گویند هر اتفاق خوب یا بدی که در زندگی شما می‌افتد علتش خود شما هستید. پس تقصیرها را گردن دیگران نیندازید، آنها نقشی در زندگی شما ندارند. باور این قضیه برای برخی از شما سخت است اما واقعیت دارد. به عنوان نمونه موبایلی که هر کدام از شما دارید را در نظر بگیرید بدون اینکه به جایی وصل باشد صدا را از همه جای دنیا به گوش شما می‌رساند. این کار را امواج انجام می‌دهد. امواجی که شما نمی‌بینید اما وجود دارد و دارد کار میکند. بدن انسان هم همین است مانند یک موبایل.



بسیاری از انسان‌ها باید یک چیز را ببینند تا باور کنند اما انسان‌های بزرگ ابتدا یک موضوع یا اتفاق را باور می‌کنند و در نتیجه این باور، آن را در زندگی خلق می‌کنند. مثلاً **ادیسون** باور داشت که می‌تواند ماده‌ای پیدا کند که برای ساخت لامپ از آن استفاده شود و ساعت‌ها کار کند و نسوزد. اگر ادیسون به این قضیه باور نداشت هیچ تلاشی نمی‌کرد و هیچ وقت نمی‌توانست لامپ را بسازد.

جذب اتفاقات خوب

اگر می‌خواهید اتفاقات خوب را به زندگی جذب کنید افکار منفی را کنار بگذارید. مثلاً اگر ماشین شما مدل پایین است و مدام خراب می‌شود نگوئید چرا من ماشینم همش خراب می‌شود، چرا پول ندارم ماشینم را عوض کنم.

بجای آن بگوئید: من یک ماشین صفر کیلومتر شاسی بلند می‌خواهم با فلان مدل و فلان رنگ و سیستم و ... ترجیحاً با خود بلند بگوئید تا صدای خود را بشنوید. زیرا وقتی با صدای بلند می‌گوئید راحت‌تر می‌توانید ذهن خود را کنترل کنید اما وقتی فقط می‌خواهید در ذهن مرور کنید کار کمی سخت‌تر است و افکار از هم گسسته میشود و

فکرهای مختلف در ذهن شما اجازه نمیدهد که این جملات را صحیح بیان کنید. پس ترجیحا صدای خود را بشنوید. یا وقتی با دوست خود که او هم انسان مثبت نگری است به بیرون و گردش میروید در مورد خواسته هایتان با هم صحبت کنید تا حس خوب در شما بوجود آید. این کارها را با موضوعات مختلف بصورت روزانه انجام دهید و نتایج آن را روزها و هفته های بعد در زندگی ببینید. هر چه زمان بیشتری برای اینکار بگذارید زودتر نتایج آن را میبینید.

در کتاب "[راهنمای عملی رسیدن به آرزوها](#)" بصورت کاملا عملی و بطور کاملتر درباره این موضوعات صحبت شده و راهکارهای اساسی در مورد **خوش شانسی و افزایش درآمد** ارائه شده که میتوانید از آن نهایت استفاده را در زندگی ببرید.

AMOEZESH BOX



راهنمای عملی رسیدن به آرزوها

تالیف: مصطفی حاجی زاده

به همراه ۱۹۹ هزار تومان جایزه

دانلود کتاب راهنمای عملی رسیدن به آرزوها

موفق و پیروز باشید.

مصطفی حاجی زاده

درباره نویسنده

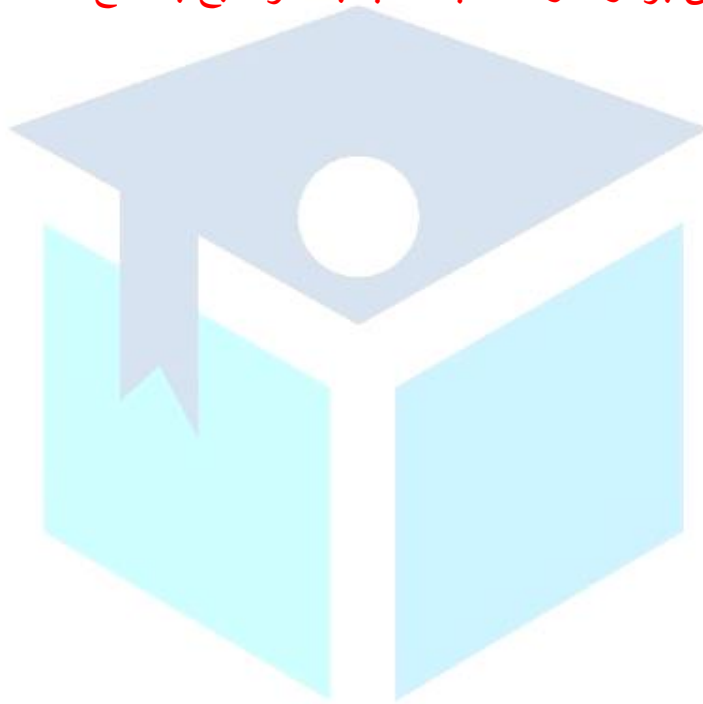
مصطفی حاجی زاده دارای مدرک کارشناسی برق قدرت از دانشگاه استان یزد و یکی از تلاشگران عرصه تجارت اینترنتی از سال ۱۳۸۸ تاکنون و همچنین فعال صنعت آسانسور در کشور میباشد.

وی از طریق اینترنت میلیون ها تومان درآمد ایجاد کرده است. وی همچنین دوره های متعددی در زمینه موفقیت و مهارت های فردی گذرانده و تلاش ایشان آموزش دادن و انتقال دانسته ها به دیگر افراد برای داشتن جامعه ای بهتر میباشد.



درخواست نویسنده از شما: این کتاب را برای حداقل ۵ نفر از دوستان و
آشنایان خود بفرستید.

کپی برداری از مطالب کتاب با ذکر منبع بلامانع است.



AMOZESHBOX